



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۸۴ ■ ۹ دی ۱۴۰۰

نوجوان
جامه



امیرحسین
علی نیافرد

گفت و گو با مریم سعادت از داوران جشنواره قصه‌گویی

نوجوانی همان زمان طلایی است

اگر اهل تماشای فیلم و سریال باشید، می‌توانم بگویم اواز بازیگرهای معروف چند دهه اخیر است و بازی‌های درخشانی چون «دردسرای عظیم» و «۲» را در کارنامه خود دارد. او خیلی قبل‌تر با عروسک‌گردانی «زی‌زی گولو» که مامان باباها با آن حسابی آشنا هستند وارد فضای تلویزیون شده. البته در آن سریال نقش اعظم خانم را داشت که حتما طرفدارهای این مجموعه با مزه قدیمی با آن خاطره دارند. مریم سعادت خودش را وقف نوجوان‌های هر نسل کرده است. حالا نشستیم پای صحبت ایشان و گفت‌وگوی ویژه‌ای درباره جشنواره قصه‌گویی، حرفه و مسیر زندگی او داریم.

🗣️ **در نوجوانی به چه چیزی علاقه داشتید و چگونه به هنر و تئاتر عروسکی رو آوردید؟**

از بچگی علاقه زیادی به نقاشی داشتم و حتی روی دستمال‌کاغذی‌های مانده هم طراحی می‌کردم. آن‌قدر این هنر را ادامه دادم که در نهایت برای مقطع دبیرستان به هنرستان هنرهای زیبای آن زمان رفتم و بعد از پایان رشته نقاشی و طراحی، نوبت به کنکور رسید که اولویت اول من در دانشگاه هنرهای دراماتیک سابق (دانشگاه هنر اکنون) رشته طراحی صحنه بود اما به‌صورت ناگهانی رشته تئاتر عروسکی را به دلیل مشابه بودن آن به طراحی و مجسمه‌سازی انتخاب کردم. به این ترتیب وارد دنیای نمایش شدم و پس از چند سال یک بازی کوچک در سریالی داشتم که با مورد پسند قرار گرفتن آن کار کم‌کم کارهای دیگری به من پیشنهاد شد اما تا به این لحظه رشته اصلی خود یعنی نمایش عروسکی را فراموش نکردم و در این زمینه کار صدا و کارگردانی انجام می‌دهم.

🗣️ **محدودیت‌های زمان قدیم باعث ناامیدی شما نمی‌شد؟ چه سختی‌هایی داشتید؟**

خوشبختانه به دلیل حمایت بی‌شمار خانواده و به‌خصوص پدرم، هیچ‌وقت مشکل حاد و خاصی نداشتم و بعد از ورود

به دانشگاه شروع به کارهای عروسکی کردم و سال ۱۳۶۱ وارد دنیای تلویزیون شدم و شروع به ساختن و بازی برای برنامه‌های کودک کردم. هیچ مشکلی برای چیزی که به آن علاقه داشتم نبود و آهسته‌آهسته ابتدا وارد بازیگری و بعد از آن وارد تئاتر و در نهایت سینما شدم.

🗣️ **زمان نوجوانی شما تعیین هدف و رسیدن به آن چطور بود و انتخاب هدف و رسیدن به آن در بچه‌های الان و فرزندان شما چطور است؟**

من به دلیل این که به شدت به هنر نقاشی علاقه داشتم، حتی روی دیوار اتاق خود و برادرم نقاشی می‌کردم و هنوز به صورت قاب شده بعضی از آنها را دارم. من از همان ابتدا برای رشته‌ای که دوست دارم خیلی هدفمند و پرتلاش بودم، برخلاف این که فکر می‌کردم نقاشی را ادامه می‌دهم. به هر حال وارد حرفه نمایشی شدم. ولی واقعا از ابتدا به آن چیزی که دوست داشتم و تلاش فراوانی برایش کردم، رسیدم. پدرم به دلیل این که مشوق کارهای من بود، برای تحقق آرزوهای من خیلی کمک کرد. فکر می‌کنم به دلیل وجود بازی‌های رایانه‌ای یا دنیای دیجیتال، بچه‌های الان به کشف استعداد خود اهمیتی نمی‌دهند. ای کاش خانواده‌ها علاقه‌ای و گرایش آنها را پیدا و حمایت کنند. اگر استعداد بچه‌ها با دروس مدرسه و دانشگاه همخوانی ندارد، نگران نباشند شاید در آن کار استعداد و مهارتی ویژه به نسبت بقیه شغل‌ها داشته باشند.

🗣️ **چه چیزی باعث شده فعالیت در حوزه نوجوان برای شما مهم باشد؟**

حقیقتا من خیلی سال‌ها برای کودک و نوجوان و بچه‌ها کار کردم و از آنها شناخت زیادی دارم. از چند سال پیش متوجه علاقه‌ام به نوجوانان شدم و به نظرم نوجوانی یک محل گذار است.

زمان کوتاهی از عصر بین‌روشنی هوا و غروب آفتاب، خصوصا اواخر بهار تا اوایل پاییز وجود دارد که به آن زمان طلایی می‌گویند. فیلمبردارها در این بازه زمانی پلان‌های زیبا و خاصی را به تصویر می‌کشند. حتی اگر در قسمتی اشکالی رخ بدهد، ادامه فیلمبرداری به روز دیگر منتقل می‌شود. به نظر من وقت طلایی که در سینما به کار برده می‌شود، همین سنین نوجوانی است که یک زمان کوتاه اما با ارزش است و به همین دلیل مادر و پدرها بچه‌های خودشان را زیاد



نمی‌شناسند.

من همچنان علاقه زیادی به کار نوجوان دارم. خودم دو پسر بزرگ کرده‌ام و به همین علت خوب و دقیق با این دوران آشنایی دارم. دوران نوجوانی خودم را به یاد دارم و دوران نوجوانی دو پسرانم را دقیق دیده‌ام که چه چیزهایی می‌خواهند و حتی چیزهایی به زبان هم نمی‌آورند.

🗣️ **نوجوان‌هایی که علاقه به بازیگری دارند برای موفقیت چه کارهایی نباید انجام دهند؟**

ما در خانواده‌هایمان بسیاری از مادر و پدرهایی دیده‌ایم که ادعای مستعد بودن فرزندشان در رشته بازیگری دارند اما من با آنها به شدت برخورد می‌کنم و حتی گاهی از من خواهش می‌کنند که فرزندشان را به جایی و کسی معرفی کنم اما واقعیت ماجرا این است که به این شکل امکان‌پذیر نیست، فرزند دلبند شما باید کلاس‌ها و دوره‌های زیادی را طی کند. اگر یک کودک یا نوجوانی می‌تواند جلوی خانواده یک نمایش کوچکی بازی کند یا استند‌آپ کمدی برای آنها اجرا کند دلیل بر بازیگری نیست. بازیگری یعنی از ابتدا به آن کودک یا نوجوان آموزش درست و صحیح خواندن و دیدن و دقت بدهیم، بازیگری تمرین و مطالعه و دقت فراوان بر مردم جامعه را طلب می‌کند و در کنار این موارد کارهای عملی هم لازم است که نوجوانان بتوانند استعداد خودشان را محک بزنند و داشتن استعداد برای بازیگری کافی نیست.

🗣️ **اکثرا با چه فیلمی شما را می‌شناسند.**

اولین کار تلویزیونی بلند من در حوزه کودک یک سریال ۴۰ یا ۵۰ قسمتی به نام قصه‌های تابه‌تا یا همان زی‌زی گولو بود که من هم عروسک‌گردان این شخصیت بودم اما بیشتر به دلیل این که در نقش همسایه آنها یا همان اعظم خانم معروف بوده‌ام، مردم من را بیشتر به آن تیپ می‌شناسند و حتی اکنون هم بی‌اختیار از قصه‌های تابه‌تا صحبت می‌کنند. راستش من سریال‌های ماندگار زیادی را بازی کرده‌ام مانند سریال بدون شرم، خوش‌رکاب، دردسرای عظیم ۱ و ۲ و پنچری و...، قصه‌های زی‌زی گولو به دلیل این که اولین سریال و نقش من بود بیشتر مردم من را با آن می‌شناسند.

🗣️ **به نظرتان درست است که کودک و نوجوان**

رایگی می‌داند و به نظر شما چرا امروزه نباید

این دوره سنی رو با هم یکی کرد؟

به نظرم کودک و نوجوان زمین تا آسمان فرق می‌کنند، ممکن است که شاید فاصله زمانی آنها شش ماه تا یک سال باشد اما خیلی فرق می‌کنند. روحیه نوجوان یک روحیه بسیار آسیب‌پذیر است و خیلی سریع باید این روحیه به جوانی برسد و این به معنی توجه نکردن به کودکان نیست. شاید یک کودک شش یا هشت ساله بتواند کارتون‌های زمان خودش را بارها و بارها تماشا کند اما دیگر این انیمیشن‌ها مناسب نوجوان نیست و میل و علاقه آنها بیشتر به سوی کارهای بزرگسال است که متأسفانه اغلب برای این سنین کاربردی ندارند، به همین دلیل کار برای کودک و نوجوان ساختن بسیار فرق می‌کند و ما باید نوجوانان را بشناسیم تا کارهای درست و صحیحی برای آنها بسازیم.

🗣️ **قصه‌گویی در کشورمان از چه کیفیتی برخوردار است؟ چه معیارهایی می‌تواند باعث پیشرفت این هنر در کشورمان شود؟**

این برای دومین بار بود که من به عنوان داور جشنواره قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتخاب شدم و یک دوره هم داور یکی از جشنواره‌های وزارت فرهنگ و ارشاد هرمزگان بودم که کاملاً به شکل مجازی بود. از دو سال گذشته تا به اکنون خیلی تغییرات به وجود آمده و کسانی که وارد این کار شده یا این حرفه را ادامه می‌دهند به نظر من باتجربه و با اعتماد به نفس و قدرت بیشتری در حال کار هستند. در مورد بعضی از نوجوان‌ها می‌توانم بگویم حیرت‌انگیز بودند و امیدوارم این پیشرفت‌ها مداوم باشد تا شاهد قصه‌گوهای بی‌نظیری در کشور خودمان باشیم.

🗣️ **جشنواره امسال از نظر شما چطور بود؟**

نوجوان‌ها از چه کیفیتی برخوردار بودند؟

به نظرم مسابقات و شرکت‌کننده‌ها پیشرفت چشمگیری پیدا کرده‌اند و اگر مربی‌های قصه‌گویی روی بچه‌ها کار کنند تا مخاطب به همراه روایت داستان هم به آرامش و هم به هیجان‌های خاص خودشان برسد و قصه را با شوق و ذوق بیشتری دنبال کند برد بزرگی کرده‌اند اما اگر قصه‌گو متوجه بی‌میلی مخاطب به شنیدن قصه شود، باید بداند که ضعف از خود اوست.